

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

ترمیم‌ولوژی بزه‌دیده در لایحه تعزیرات بر اساس پیش‌نویس معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضائیه مورخ ۱۴۰۱

مهرداد رایجیان اصلی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی و تحلیل ترمیم‌ولوژی بزه‌دیده در «لایحه تعزیرات»، که قرار است به‌عنوان یکی از کتاب‌های قانون مجازات اسلامی به تصویب برسد، می‌پردازد. منظور از ترمیم‌ولوژی بزه‌دیده، شناسایی مفهوم «بزه‌دیده» به‌عنوان یک کلیدواژه علوم جنایی است که به بطن یک سند حقوقی (همچون قانون، و در اینجا، لایحه) راه می‌یابد. در این سطح، نویسندگان لایحه به‌جای واژگانی مانند «مجنی‌علیه»، «متضرر» یا «زیان‌دیده از جرم»، و «شاک» یا «مدعی خصوصی»، که تعبیرهای گوناگون و متفاوتی از حوزه‌های فقه و حقوق و آیین دادرسی بوده‌اند، از اصطلاح علمی - فنی «بزه‌دیده» استفاده کرده‌اند که می‌تواند بازتاب‌دهنده مفهوم‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی با مبانی نظری آنها در متن قانون باشد. مقاله نتیجه‌گیری می‌کند که متن لایحه از این جهت، هنوز با نوشتگان یکپارچه، که مفهوم «بزه‌دیده» را به‌عنوان یکی از بازیگران نظام دادگستری جنایی در محتوای خود به رسمیت شناخته باشد، فاصله دارد.

واژگان کلیدی

بزه‌دیده، نوشتگان حقوقی، علوم جنایی، لایحه تعزیرات، قانون مجازات اسلامی

۱. عضو هیئت علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران، ایران.

ترمینولوژی بزه‌دیده در لایحه تعزیرات، یکی از محورهای قابل‌بحث در این سند است و منظور از آن عبارت است از بررسی و تحلیل واژگان و اصطلاح‌هایی که دارای جنبه بزه‌دیده‌شناختی هستند و در این لایحه به کار رفته‌اند. همچون قانون مجازات اسلامی - و از جمله کتاب پنجم کنونی آن (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) - واژگان گوناگونی برای یک مفهوم (بزه‌دیده) به کار رفته‌اند که از دو منظر می‌توان آنها را تحلیل کرد.

از نظرگاه نخست، همین که نویسندگان لایحه در موردهایی چند، بر به رسمیت شناختن ترمینولوژی بزه‌دیده و وارد کردن از نوشتگان جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی به گفتمان قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری صحنه گذاشته‌اند، این اقدام را باید در شناسایی هویت بزه‌دیدگان به‌عنوان واقعیتی گریزناپذیر در سامانه دادگستری جنایی ایران به فال نیک گرفت و پسندیده شمرد.

اما از نظرگاه دوم، به‌نظر می‌رسد که به‌کارگیری واژگان گوناگون و مختلف برای بیان یک مفهوم، می‌تواند نوعی آشفتگی و ناپیکارچگی را در ترمینولوژی بزه‌دیده به‌تصویر بکشد. این مسئله در سایر مقرره‌ها، پیش‌نویس‌ها و لایحه‌هایی که پیش‌تر در سطح سیاست‌گذاری جنایی ایران تصویب یا تنظیم شده بودند نیز مشهود بوده است. برای نمونه، می‌توان به لایحه مجازات اسلامی، که به تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ انجامید، اشاره کرد که رویه‌ای چندگونه را در ترمینولوژی بزه‌دیده برگزیده بود. از نظر تحلیلی، می‌توان گفت که اگرچه هریک از این واژگان نمایان‌گر حوزه خاصی از علوم جنایی‌اند و معنای خاصی را در بر دارند، ولی محتوا و مضمون آنها یکی است و بهتر است در متن یک قانون به‌شکل یکپارچه به کار برده شوند تا دادرسان، حقوق‌دانان، جرم‌شناسان و دانش‌جویان را به تردید و برداشت‌های مختلف نیندازند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، الف: ۱۹۰).

پیش از پرداختن به نمونه‌های ترمینولوژیک بزه‌دیده در لایحه تعزیرات، یادآوری چند نکته درباره اصطلاح «بزه‌دیده‌شناسی» و مفهوم «بزه‌دیده» در این اصطلاح بی‌فایده نیست:

نخست، از نظرگاه اصطلاح‌شناسی، برابر نهاد فارسی بزه‌دیده‌شناسی (به‌عنوان یک رشته مطالعاتی در پهنه علوم جنایی)، بر پایه مصوبه نخستین فرهنگستان ایران در سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۹ خورشیدی، که واژه «بزه‌دیده» را در برابر «مجنی‌علیه» به کار برده بود، مفهوم‌سازی شده است (توجهی، ۱۳۷۷: ۲۱). اما در مقام تعریف بزه‌دیده به شخصی گفته می‌شود که از رفتاری زیان می‌بیند که در قانون داخلی یا در سطح بین‌المللی جرم‌انگاری شده است. از این‌رو اشخاص دیگری که از رفتارهای نامجرمانه آسیب و زیان می‌بینند، از گستره بزه‌دیده‌شناسی خارج می‌شوند (Guide for Policy Makers, 1999, p.45).

دوم، بزه‌دیده‌شناسی، در راستای اعلام استقلال در علوم جنایی، از نوشتگان تخصصی برخوردار شده است. نوشتگان بزه‌دیده‌شناختی، قلمرو مطالعاتی آن را از دیگر حوزه‌های علوم جنایی (مانند حقوق

جنایی، و به‌ویژه جرم‌شناسی) متمایز می‌کند. اصطلاح‌هایی چون بزه‌دیده، بزه‌دیدگی - بزه‌دیده‌سازی، بزه‌دیده‌ساز، شتاب‌دهندگی بزه‌دیده، بزه‌دیده‌ایدئال، سرزنش بزه‌دیده، بزه‌دیده سرزنش‌پذیر، بزه‌دیدگان خاص یا گروه‌های خاص بزه‌دیدگان، بزه‌دیدگی گروهی و بزه‌دیدگان گروهی، حمایت از بزه‌دیده، حمایت کیفری، حق‌های بزه‌دیده، رفتار منصفانه و دسترسی به دادگری، جبران خسارت، پرداخت غرامت، سوءاستفاده از قدرت و ... برجسته‌ترین نمونه‌های این واژگان تخصصی است.

سوم، بزه‌دیده‌شناسی - همچون جرم‌شناسی در گستره علوم جنایی - با حقوق جنایی در ارتباط و تعامل است و یکی از جلوه‌های این تعامل، بازتاب مفهوم‌ها و نظریه‌های بزه‌دیده‌شناختی در قلمرو حقوق جنایی و قانون‌های کیفری است (Rayejian Asli, 2013, p. 54). از میان متن‌های تقنینی کیفری، قانون مجازات عمومی، همواره یکی از کانون‌های این بازتاب در سامانه‌های حقوق داخلی به‌شمار می‌رود. بر این اساس، می‌توان گفت که هرچه قانون‌های کیفری، از نوشتگان یکپارچه‌تر و مبتنی بر آموزه‌ها و نظریه‌های ثابت‌شده علمی برخوردار باشند، قانون‌هایی باقوام‌تر و بادوام‌تر خواهند بود که بهتر از عهده برقراری نظم عمومی و پیشگیری دادگرانه از جرم برآمده و به بازپروری انسان‌مدارانه بزه‌کاران، و به‌ویژه بازسازی منصفانه و دادگرانه بزه‌دیدگان و جبران آثار بزه‌دیدگی آنان کمک خواهند کرد.

از این میان لایحه تعزیرات که قرار است به‌عنوان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی جدید ایران تصویب شود، یکی از این متن‌های کیفری است که بازتاب مفهوم‌ها و نظریه‌های بزه‌دیده‌شناسی را در مقرره‌های آن می‌توان کندوکاو کرد. آخرین نسخه این لایحه در ۴۲۲ ماده شامل دو بخش در هفده فصل سازمان‌دهی شده است. در این لایحه، تلاش شده مقرره‌های مفصل‌تر و کامل‌تری نسبت به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) دیده شود. از این‌رو، بدیهی است که به همان میزان، بازتاب‌های بیشتری از بزه‌دیده‌شناسی را در محتوای این لایحه می‌توان جست‌وجو کرد.

۱. ترمینولوژی علوم اجتماعی (قربانی‌شناسی عمومی): «اشخاص در معرض

خطر» و «آسیب‌دیده»

نخستین محور در لایحه تعزیرات را به‌عنوان ترمینولوژی علوم اجتماعی، می‌توان با دو اصطلاح «اشخاص در معرض خطر» و «آسیب‌دیده» نشان داد که نمایان‌گر نوشتگان قربانی‌شناسی عمومی‌اند. ماده ۳۳۵ لایحه تعزیرات، زیر عنوان «خودداری از کمک به مصدوم»، نمونه برجسته این ترمینولوژی است. به‌موجب این ماده:

هر شخصی فرد یا افراد در معرض خطر جانی را مشاهده کند و به اقتضای حرفه خود قادر به ارائه کمک مؤثری باشد لیکن از اقدام یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات ذی‌صلاح خودداری کند، به جزای

نقدی یا یکی از مجازات‌های اجتماعی درجه شش محکوم خواهد شد. چنانچه امتناع‌کننده از مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی و خصوصی و یا دیگر اشخاصی باشد که حسب قانون یا وظیفه مکلف به پذیرش، درمان و کمک‌رسانی به افراد آسیب‌دیده یا در معرض خطر جانی است، به حبس و حسب مورد به انفصال از خدمات دولتی و عمومی و یا محرومیت از فعالیت شغلی و حرفه‌ای درجه شش محکوم می‌شود.

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، نویسندگان لایحه با به‌کارگیری دو عبارت «افراد آسیب‌دیده یا در معرض خطر جانی»، در واقع، از نوشتگان قربانی‌شناسی عمومی برای حمایت قانونی از قربانیان بهره برده‌اند، و بدین‌سان، دامنه حمایت خود را فراتر از قربانیان جرم (بزه‌دیدگان) گسترانده‌اند.

۲. ترمینولوژی حقوقی - فقهی: «شاکی» و «مدعی خصوصی» و «مجنی‌علیه»

دومین محور در لایحه تعزیرات را، به‌عنوان ترمینولوژی حقوقی-فقهی، می‌توان با اصطلاح‌های شاکی، مدعی خصوصی و مجنی‌علیه نشان داد.

به‌موجب ماده ۲۹۰ لایحه تعزیرات:

هرگاه قتل عمدی همراه با یکی از شرایط زیر باشد و بزه‌دیده مشمول مقررات مواد (۳۰۲) و (۳۰۳) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نباشد، مرتکب به حبس درجه دو محکوم می‌شود:

الف) در صورتی‌که جنایت نسبت به شاهد، بزه‌دیده، شاکی، مدعی خصوصی، ضابط دادگستری، وکیل، کارشناس، داور، میانجی‌گر، مترجم یا نسبت به پدر، مادر، همسر یا فرزند آنها و به‌منظور انتقام از آنان یا ایجاد مانع یا اخلال در امر دادخواهی یا فرایند دادرسی یا اجرای حکم واقع شده باشد.

ب) در صورتی‌که بزه‌دیده از کارکنان نهادهای دولتی یا عمومی غیردولتی بوده و جنایت حین انجام وظیفه یا به سبب آن یا نسبت به پدر، مادر، همسر یا فرزند آنان به همین سبب واقع شده باشد.

پ) در صورتی‌که بزه‌دیده به علت بیماری روانی، ناتوانی ذهنی یا جسمی یا باردار بودن، قادر به دفاع از خود نبوده و مرتکب از آن آگاه باشد.

ت) در صورتی‌که احساسات و عواطف عمومی در اثر وقوع جنایت جریحه‌دار شده باشد.

ث) در صورتی‌که قتل با شرکت دیگری واقع شده و یا بزه‌دیده متعدد باشد.

ج) در صورتی‌که بزه‌دیده کمتر از هجده سال تمام شمسی داشته باشد.

چ) قتل همراه با آزار جسمی یا روانی شدید بزه‌دیده واقع شود.

ح) در صورتی‌که بزه‌دیده همسر، پدر یا مادر باشد.

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، در این ماده که در مبحث نخست از فصل یازدهم لایحه تعزیرات («جرایم علیه تمامیت جسمانی») آمده است، واژگان بزه‌دیده، شاکی و مدعی خصوصی در کنار هم

به‌کار رفته‌اند، حال آنکه هریک می‌توانند معنای خاص بلکه متفاوتی بیان کنند.

از نظر تحلیلی، دو واژه شاکی و مدعی خصوصی، بزه‌دیده‌ای را بیان می‌کنند که در پی بزه‌دیدگی شکایت کرده (شاکی) و سپس برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ممکن است به دادگاه کیفری دادخواست بدهد (مدعی خصوصی)، و بدین‌سان، واژگانی از آیین دادرسی جنایی شمرده می‌شوند که در قانون مجازات اسلامی - به‌عنوان یک قانون ماهوی - به‌کار رفته‌اند، درحالی‌که واژه «بزه‌دیده» در همان بند می‌توانست هر دو موقعیت شکایت و مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم برای چنین شخصی را بیان کند.

افزون بر اینها، اگرچه همچون نسخه پیشین این لایحه که از واژه «مجنی علیه» نیز استفاده کرده بود، شاید انتظار می‌رفت که در جرم‌های علیه تمامیت بدنی اشخاص، از همین تعبیر فقهی در متن لایحه باز استفاده شود، اما به‌نظر می‌رسد که نویسندگان نسخه جدید، ترجیح داده‌اند به‌جای آن از اصطلاح «بزه‌دیده‌شناسی» استفاده کنند. برای نمونه در بزه اسیدپاشی، به موجب ماده ۲۹۲ لایحه: هرکس از طریق پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر با هر میزان غلظت مرتکب جنایت عمدی بر دیگری شود و به هر علت قصاص نشود، به شرح زیر مجازات می‌شود:

الف) چنانچه منتهی به قتل بزه‌دیده یا تغییر دائمی صورت وی شود، به حبس درجه یک تا سی سال؛
 ب) چنانچه دیه آسیب بزه‌دیده به میزان بیش از نصف دیه وی باشد، به حبس درجه دو؛
 پ) چنانچه دیه آسیب بزه‌دیده به میزان ثلث تا نصف دیه وی باشد، به حبس درجه سه؛
 ت) چنانچه دیه آسیب بزه‌دیده به میزان کمتر از ثلث دیه وی باشد، به حبس درجه چهار.
 از نظر تحلیلی می‌توان گفت که استفاده از واژه فقهی مجنی‌علیه در مقایسه با اصطلاح بزه‌دیده، دست‌کم واجد این ایراد است که این واژه، فقط به شخصی محدود می‌شود که جنایتی علیه او واقع شده؛ درحالی‌که از مفهوم «بزه‌دیده»، بزه‌دیدگی هر جرمی فراتر از جنایت، و اشخاصی فراتر از قربانیان واقعی - به‌منزله بزه‌دیدگان احتمالی - نیز قابل‌برداشت است. ازاین‌رو، اصطلاح بزه‌دیده گستره کامل‌تری از واژه نخست را دربردارد.

۳. ترمینولوژی فرهنگ لغتی: «قربانی» جرم قاچاق انسان به معنای بزه‌دیده

قاچاق انسان

سومین محور در لایحه تعزیرات را، به‌عنوان ترمینولوژی فرهنگ لغتی، می‌توان با واژه قربانی نشان داد که واژه‌ای عمومی در فرهنگ لغت‌های گوناگون به‌شمار می‌رود. نمونه‌ای از این ترمینولوژی در بزه قاچاق انسان در دو نسخه پیشین و جدید لایحه تعزیرات قابل بررسی است. به‌موجب ماده ۳۱۵ نسخه پیشین لایحه:

کلیه اموال و وسایط نقلیه‌ای که عالماً و عامداً برای ارتکاب جرائم موضوع این بخش اختصاص یا استفاده می‌شود، برای جبران خسارات وارده بر قربانی از قبیل پرداخت هزینه‌های بازگشت و درمان آنان توقیف و مازاد آن به نفع دولت ضبط می‌گردد.

همچنان که ملاحظه می‌شود، در این ماده که در بخش چهاردهم لایحه («قاچاق انسان و منع بهره‌کشی (قاچاق انسان و جرایم مرتبط)») به موضوع «توقیف و ضبط اموال و وسایط نقلیه موضوع جرم قاچاق انسان، به‌منظور جبران خسارت وارد بر قربانی، از قبیل پرداخت هزینه‌های بازگشت یا درمان آنان» اختصاص یافته، نویسندگان لایحه از واژه عمومی قربانی برای بیان زیان‌دیده بزه قاچاق انسان بهره برده‌اند، درحالی‌که اصطلاح بزه‌دیده در اینجا هم می‌توانست همان معنا را بیان کند. در همین راستا، این ترمینولوژی در نسخه جدید لایحه تعزیرات اصلاح شده است. به موجب ماده ۳۱۷ از لایحه اخیر:

هر شخصی به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح افراد یا بردگی یا ازدواج هر چند با رضایت فرد، اقدام به یکی از رفتارهای زیر کند به حبس درجه چهار و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از جرم یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود:

الف) خارج، وارد، ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار، اکراه، تهدید و نیرنگ، با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده؛
ب) تحویل گرفتن، انتقال دادن، مخفی کردن یا فراهم ساختن موجبات اخفا فرد یا افراد؛
پ) تشکیل یا اداره دسته یا گروه برای انجام اعمال موضوع بند (الف)».

۴. ترمینولوژی فرهنگی: «بزه‌دیده» به‌منزله قربانی جرم

سرانجام، چهارمین محور در لایحه تعزیرات، به‌عنوان ترمینولوژی فرهنگی، با اصطلاح علمی-فنی (جرم‌شناختی-بزه‌دیده‌شناختی) بزه‌دیده بیان می‌شود. در ماده‌های متعددی از این لایحه، این اصطلاح به‌کار رفته است. برای نمونه، به‌موجب ماده ۱۴ با موضوع «جهات تشدید» در فصل «تعیین مجازات»، «اغفال، فریب، بیهوش کردن بزه‌دیده یا نظایر آنها برای ارتکاب جرم» (بند ت)؛ «صدمه جسمی به بزه‌دیده به میزان بیش از یک دهم دیه» (بند ج)؛ «خسارات مالی وارده به بزه‌دیده بیش از دویست میلیون ریال» (بند چ)؛ «ارتکاب جرم به لحاظ ملیت، نژاد، قومیت یا مذهب بزه‌دیده» (بند ح)؛ «اذیت و آزار بزه‌دیده یا ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز حین وقوع جرم» (بند خ)؛ «آسیب‌پذیری بزه‌دیده از قبیل کهولت یا صغر سن» (بند د)؛ «سوءاستفاده از اعتماد بزه‌دیده برای ارتکاب جرم» (بند ذ)؛ «موقعیت اجتماعی و خانوادگی بزه‌دیده» (بند ر)؛ «استفاده از سلاح در ارتکاب جرم» (بند ژ)؛ و «تعدد بزه‌دیده» (بند ط)، از جهت‌های تشدید کیفر شمرده شده‌اند.

همچنین به موجب ماده ۲۷ از فصل سوم زیر عنوان «اموال و عواید ناشی از جرم»، اصطلاح «بزه‌دیده» در مقررات مربوط به جبران خسارت به رسمیت شناخته شده است:

در کلیه موارد مذکور در این قانون، مرتکب علاوه بر جبران خسارت‌های مقرر در ماده (۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴، ملزم به پرداخت هزینه‌های درمان بزه‌دیده نیز می‌باشد. در صورتی که به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، مرتکب تمکن مالی برای پرداخت هزینه‌های درمان را نداشته باشد هزینه‌های مربوط از محل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.

در «جرائم علیه حقوق اساسی ملت» (فصل نخست از بخش دوم)، ماده ۳۴ لایحه، بزه‌دیده جرم شکنجه را با استفاده از این ترمینولوژی به رسمیت شناخته است:

هریک از کارکنان نهادهای حکومتی یا دستگاه‌های اجرایی، به منظور اخذ اقرار یا شهادت یا ادای سوگند یا کسب اطلاع یا تفتیش عقاید و یا بر مبنای تبعیض، شخصی را مورد شکنجه یا اذیت و آزار جسمی یا روحی قرار دهد، به حبس و انفصال از خدمات دولتی و عمومی درجه پنج و یا هر دو مجازات محکوم می‌شود و چنانچه بزه‌دیده تحت نظر یا بازداشت یا محبوس بوده باشد، مجازات حبس مرتکب، درجه چهار خواهد بود.

در «جرائم علیه عدالت قضایی» (فصل چهارم از بخش دوم)، ماده ۱۱۵ لایحه، با وجود اشاره به نقش شاکی و مدعی خصوصی، به کارگیری ترمینولوژی «بزه‌دیده» را بر اصطلاح‌های «شاکی» و «مدعی خصوصی» در حمایت از بزه‌دیدگان این جرم‌ها ترجیح داده است:

در هریک از جرائم موضوع این فصل که دارای بزه‌دیده است چنانچه بزه‌دیده پیش یا پس از صدور حکم قطعی گذشت کند و یا مرتکب خسارت وی را به‌طور کامل جبران کند، دادگاه در جرائم تعزیری تا درجه پنج، مجازات را یک تا دو درجه تقلیل می‌دهد و در سایر جرائم تعزیری، مرتکب را از مجازات معاف می‌کند.

ماده ۳۱۳ نمونه برجسته دیگری از کاربرد اصطلاح بزه‌دیده در متن لایحه تعزیرات است:

هر شخصی به منظور مطالبه وجه، مال، انتقام یا به هر منظور دیگری، فردی را برباید یا به گروگان بگیرد و یا مخفی یا حبس کند، به حبس درجه سه محکوم و در موارد زیر، مجازات مرتکب یک درجه تشدید می‌شود:

الف) بزه‌دیده از افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی یا از افراد ناتوان یا کم‌توان جسمی یا ذهنی باشد.
ب) جرم به منظور تهدید یا اکراه دیگری به ارتکاب جرم یا فراهم‌سازی مقدمات یا تسهیل ارتکاب آن واقع شده باشد.

پ) جرم به نحو مسلحانه یا سازمان‌یافته یا با عنف، اکراه، فریب، اغفال یا تهدید بزه‌دیده واقع شده باشد.
ت) ارتکاب جرم تحت تاثیر مواد مخدر، روانگردان یا سکرآور باشد.

ث) همراه با آزار و اذیت جسمی، جنسی یا روانی واقع شود.

ج) مرتکبان یا بزه‌دیدگان متعدد باشند.

چ) بزه‌دیده زن باشد.

این ماده که در مبحث سوم از فصل یازدهم («جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص») آمده، از معدود ماده‌های لایحه تعزیرات است که به‌دفعات اصطلاح بزه‌دیده را به‌کار می‌برد که از این جهت با دیگر مواد لایحه یکپارچه و هماهنگ نیست. به سخن دیگر، نویسندگان لایحه در بخش‌های دیگر هم به‌جای واژه‌های گوناگون و متعدد، می‌توانستند از اصطلاح یکپارچه بزه‌دیده استفاده کنند. نکته دیگری که درباره این ماده به چشم می‌خورد توجه به بزه‌دیدگان خاص به‌عنوان گروه‌های ویژه در معرض بزه‌دیدگی است که مهم‌ترین نمونه‌های آنها (یعنی کودکان و نوجوانان، بانوان و کم‌توانان) مورد توجه نویسندگان لایحه در اینجا قرار گرفته‌اند. در مقایسه با لایحه پیشین، البته سن شناسایی کودکی و نوجوانی، از پانزده سال (در لایحه پیشین) به هجده سال (در لایحه جدید) افزایش یافته است که همسوتر با تعهدهای بین‌المللی ایران (از جمله در پذیرش کنوانسیون حق‌های کودک سازمان ملل متحد) ارزیابی می‌شود.

در لایحه پیشین تعزیرات، بند د ماده ۳۰۰، ضمن استفاده از ترمینولوژی بزه‌دیده، می‌کوشید از بزه‌دیدگان تعرض یا تجاوز جنسی نیز حمایت کیفی داشته باشد. به‌موجب این ماده:

در صورتی که تجاوز یا تعرض جنسی مستوجب مجازات حد نباشد و مقرون به حداقل یکی از شرایط زیر باشد مجازات مرتکبان تشدید می‌شود:

الف) هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر باشند.

ب) هرگاه مرتکب دارای رابطه خانوادگی با بزه‌دیده باشد.

ج) هرگاه عمل ارتكابی منجر به خودآزاری یا آسیب جسمی یا روانی شدید به بزه‌دیده گردد.

د) هرگاه بزه‌دیدگان دو نفر یا بیشتر باشند.

ه) هرگاه جرائم موضوع این ماده در اماکن عمومی یا معابر ارتکاب یابد.

همچنان که ملاحظه می‌شود، این ماده در زیرمجموعه جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص، با به‌کار بردن صیغه جمع اصطلاح بزه‌دیده، تعدد بزه‌دیدگان را موجهی برای تشدید کیفر بزه‌کار یا بزه‌کاران شناخته بود. با وجود این، با توجه به پیش‌بینی تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، که زنا بدون رضایت در حالت بیهوشی، خواب یا مستی، و همچنین زنا از گذر اغفال و فریب دختر نابالغ را به‌عنوان حدّ زنا به‌عنف (تجاوز جنسی) جرم‌انگاری کرده است، به‌نظر می‌رسد مقرره مشابهی در لایحه جدید تعزیرات نیامده است. البته، امتیاز ماده ۳۰۰ نسبت به لایحه پیشین این بود که افزون بر تجاوز، بزه تعرض جنسی را نیز در تعریف خود قرار می‌داد که می‌توانست گستره حمایت کیفری از بزه‌دیدگان این‌گونه جرم‌های جنسی را بگستراند.

نتیجه

با در نظر گرفتن چندگونگی ترمینولوژیک در به کارگیری واژه ها و اصطلاح های گوناگون در لایحه تعزیرات، می توان گفت حتی اگر نویسندگان لایحه تعزیرات، آگاهانه چنین رویه ای را برگزیده باشند، بازهم این رویه در راستای ناپیکارچگی در نوشتگان متن تقنینی ارزیابی شدنی است.

از نظرگاه تجربی، با توجه به پیشینه تهیه و تنظیم لایحه ها و پیش نویس های قانونی، به نظر می رسد که هیئتی که در فرایند نگارش پیش نویس های لایحه تعزیرات نقش داشته اند، منسجم و یکدست نبوده یا هماهنگی لازم را - از جمله در نشست های مشترک منظم و سازمان یافته - نداشته اند. همچنان که پیشتر، و درباره یک لایحه قانونی دیگر نیز یادآوری شده (رایجیان اصلی، ۱۳۸۶: ۳)، این ناهماهنگی و ناپیکارچگی، افزون بر آثار حقوقی و جرم شناختی خاصی که می تواند در پی داشته باشد، نوعی سردرگمی و آشفتگی را در دانشکده های حقوق و دادگاه ها نیز می تواند به دنبال بیاورد. برای نمونه، دانشجویی که حقوق جنایی را در لابه لای ماده های قانون مجازات اسلامی فرامی گیرد، خود را میان واژگان گوناگونی گرفتار می یابد که این پراکندگی، او را از پی بردن به فلسفه آنها باز می دارد و حتی ممکن است از سهمی که جرم شناسی و بزه دیده شناسی در تحول حقوق جنایی و قانون های مبتنی بر آن داشته اند، غافل بماند. وانگهی، دادرسی که به پرونده جنایی رسیدگی می کند، ممکن است نقش بزه دیده را به شاکی ساده ای فروکاهد که فقط فرایند پیگرد جرمی را به جریان انداخته، یا او را فقط مدعی خصوصی ساده ای بشمارد که تنها دنبال استرداد مال خود یا دریافت خسارت مادی وارد بر خویش است. این دادرس ممکن است حتی مجال آن را نیابد تا دریابد که مجنی علیه افزون بر حس سزادهی به بزه کار، به درد و رنج های عاطفی و حیثیتی برخاسته از جرم نیز دچار شده که هرگز با مجازات مرتکب التیام پیدا نمی کنند (تأکیدها از نگارنده است).

باری، اینها همه مسائلی هستند که از گذر ترمینولوژی «بزه دیده» به یافته ها و نظریه های جرم شناسی و بزه دیده شناسی پیوند می خورند و فلسفه قانون های ناظر بر جرم و کیفر را با واقعیت های زندگی اجتماعی و علت شناسی جرم و بزه دیدگی سازگار می سازند. اگر دادرس به مبانی مفهوم بزه دیده در علوم جنایی، به اهمیت او در حقوق جنایی و قانون های مبتنی بر آن، و نیز به نقش مهم او در سامانه دادگستری جنایی پی ببرد، بهتر می تواند نگرانی های برهم خوردن نظم عمومی و دغدغه جبران آثار بزه دیدگی را مرتفع ساخته و ضرورت های اصلاح و بازپروری بزه کار را با حساسیت های توان بخشی و اعاده حیثیت بزه دیده پیوند بزند.

با وجود این، لایحه تعزیرات دارای نوآوری ها و پیشرفت هایی است که در صورت یکپارچه ساختن ترمینولوژی بزه دیده به شکل مطلوب تری می تواند کاستی های مقرره های پیشین - از جمله، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ - را پُر کرده و به اجرای بهتر دادگری جنایی کمک کند. از این میان،

نویسندگان لایحه تعزیرات کوشیده‌اند بستری برای شناسایی یا به رسمیت شناختن بزه‌دیده در حقوق موضوعه و سامانه دادگستری جنایی ایران فراهم سازند. این بستر در استفاده بیشتر و گسترده‌تر از ترمینولوژی بزه‌دیده در متن لایحه نسبت به مقرره‌های پیشین - ازجمله در مقایسه با کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ - نمایان است.

با توجه به بازتاب‌های بزه‌دیده‌شناسانه‌ای که در این مقاله بررسی شدند، کاستی‌ها و چالش‌هایی، ازجمله در ترمینولوژی بزه‌دیده در لایحه به‌چشم می‌خورد که می‌توان با پیشنهادها و راهکارهایی به رفع یا کاهش آنها پیش از تصویب در قالب قانون پرداخت. یکی از ویژگی‌های متن تقنینی، اعم از قانون داخلی یا سند بین‌المللی (مانند قطع‌نامه، اعلامیه یا عهدنامه)، روشن بودن و جامعیت مفهوما و نوشتگان به‌کاررفته در آن است. ازاین‌رو، گردآورندگان یا تنظیم‌کنندگان آن می‌کوشند با پیش‌بینی بخش یا بندی از قبیل «مفهوم‌ها» یا «تعریف‌ها»، مهم‌ترین اصطلاح‌ها و مفهوم‌هایی را که در آن متن کاربرد کلیدی دارند، به‌سادگی - و در همان حال، به‌روشنی و دقت - تعریف کنند.

در لایحه تعزیرات نیز چنین ضرورتی وجود داشته که نویسندگان آن را بر آن داشته تا فصل نخست از بخش نخست این سند را با «تعاریف» آغاز کنند. البته، مطلوب‌تر این بود که در آغاز قانون مجازات اسلامی - که لایحه تعزیرات قرار است به‌عنوان کتاب پنجم آن به تصویب برسد - چنین بند یا بخشی پیش‌بینی می‌شد.

در لایحه تعزیرات برای بیان مفهوم بزه‌دیده - به‌مثابه قربانی جرم - از واژگان و اصطلاح‌های گوناگون و متعددی استفاده شده، و این گوناگونی و تعددگرایی، ممکن است به تفسیرهای مختلف بلکه متهافت در این زمینه بینجامد و به احقاق حق بزه‌دیدگان و حمایت از آنان خلل وارد کند. ازاین‌رو، بهتر است اصطلاح بزه‌دیده در آغاز تعریف شود. این تعریف می‌تواند چنین باشد:

در این قانون، بزه‌دیده عبارت است از هر شخص حقیقی و یا حقوقی که از وقوع یکی از جرم‌های مندرج در قانون حاضر متحمل آسیب یا ضرر و زیان شده است، اعم از اینکه به‌عنوان مجنی‌علیه یا به اعتبار یک وضعیت آسیب‌پذیر از قبیل سن، جنس، ناتوانی یا تابعیت و اقلیت بودن به‌موجب آن جرم، شاکی یا مدعی خصوصی باشد یا نباشد، و به‌عنوان گواه، مطلع و مانند اینها به دادگاه یا مرجع رسیدگی احضار شده یا نشده باشد.

تبصره ۱. منظور از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در این قانون عبارت است از کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال که از وقوع یکی از جرم‌های موضوع این قانون به‌شرح ماده‌های آتی متحمل آسیب یا ضرر و زیان می‌شوند.

تبصره ۲. منظور از اقلیت‌های بزه‌دیده در این قانون عبارت‌اند از کلیه اقلیت‌های به‌رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از وقوع یکی از جرم‌های موضوع این قانون به‌شرح ماده‌های آتی متحمل آسیب یا ضرر و زیان شده‌اند.

بدیهی است که با این تعریف، می‌توان مقرره‌هایی برای موردهایی که در آن، شخص معینی به‌عنوان بزه‌دیده مستقیم قابل شناسایی نیست یا از اساس وجود ندارد، به‌فراخور در لایحه پیش‌بینی کرد. برای نمونه، در مورد جرم‌هایی مانند علیه خانواده یا علیه محیط‌زیست، می‌توان حکم مشابهی با ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (با الحاقات و اصلاحات بعدی) در نظر گرفت که به‌موجب آن، سازمان‌های مردم‌نهاد بتوانند در راستای حمایت از بزه‌دیدگان خاص - به‌ویژه کودکان و نوجوانان، بانوان، ناتوانان بدنی یا ذهنی - روانی، پرونده‌های زیست‌محیطی و بهداشت همگانی - اعلام جرم، یا حتی شکایت کرده و برای مطالبه خسارت یا جبران بزه‌دیدگی، در فرایند رسیدگی‌ها حضور و شرکت فعال داشته باشند.

۱. بسیونی، محمدشریف، (۱۳۹۳)، *بزه‌دیده‌شناسی*، ج ۲، شناسایی بین‌المللی حق‌های بزه‌دیدگان، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش).
۲. بی‌نام، پیش‌نویس *لایحه تعزیرات*، (بی‌تا)، بی‌جا.
۳. توجهی، عبدالعلی (۱۳۷۷)، *جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران*، رساله دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد، (۱۳۹۰) [الف]، *بزه‌دیده‌شناسی*، ج ۱، تحولات بزه‌دیده‌شناسی و علوم جنایی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش).
۵. _____، (۱۳۹۰) [ب]، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، تهران: دادگستر، چاپ دوم.
۶. _____، (۱۳۹۰) [پ]، «تعامل جرم‌شناسی و حقوق بشر در پرتو مفهوم سوءاستفاده از قدرت»، *فصلنامه پژوهش حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه قم، شماره ۳.
۷. _____، (۱۳۸۶)، «جایگاه بزه‌دیده در لایحه قانون مجازات اسلامی: نقد بزه‌دیده‌شناسانه باب کلیات»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی (شهر دانش)، شماره ۱۳.
۸. _____، (۱۳۹۱)، «جرمانگاری سوءاستفاده از قدرت با محوریت مفهوم نسل‌زدایی از دیدگاه حقوق جنایی بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵۸.
۹. _____ و مهدی یوسفی مراغه، [همکار] (۱۳۹۰)، «خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان بین‌المللی»، *مجله پژوهش حقوقی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۳۱.
۱۰. زکوی، مهدی، (۱۳۹۲)، *بزه‌دیدگان خاص در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، با دیباچه‌ای از مهرداد رایجیان اصلی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۱. شیر، عباس، (۱۳۸۶)، «رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده (دادخواهی)»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴.
۱۲. کوشکی، غلامحسین، (۱۳۹۲)، «سازمان‌های غیردولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۴.
۱۳. معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه، (۱۴۰۱)، *لایحه تعزیرات: پیش‌نویس معاونت حقوقی و امور مجلس*، تهران: معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه.

14. Guide for Policy Makers on the Implementation of the United Nations Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, UNODCCP, 1999.
15. Rayejian Asli, Mehrdad, (2013), "Introducing Genral Theory on Victimology in Criminal Sciences", *International Journal of Humanities*, Tarbiat Modares University.
16. Rayejian Asli, Mehrdad, (2006), "Iranian Criminal Justice System in Light of International Standards Relating to Victims", *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, Vol. 14.

